

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترت روزنامه

شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴ • ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ • ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۳۱ • ۱۲ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

تحلیل خوانی

وقتی هیچ‌کدام معناد نبودند!

مجید طهرانیان؛ در سال ۱۳۹۵، در بازدیدی از یکی از مراکز صدور مجوزهای آموزشی استان، از کارشناس مربوطه پرسیدم «تا امروز چند نفر را برای انجام آزمایش عدم اعتیاد معرفی کرده‌اید؟».

پاسخ داد: «حدود ۸۰۰ نفر».

سؤال بعدی‌ام ساده بود: «چند نفرشان نتیجه مثبت داشته‌اند؟».

لیخند زد و گفت: «هیچ‌کدام».

همین یک جمله، ذهنم را سال‌ها درگیر کرد. چگونه ممکن است صدها نفر از متقاضیان تأسیس مراکز آموزشی، مؤسسات فرهنگی یا دریافت کارت صلاحیت حرفه‌ای، همگی بدون استثنا آزمایش دهند و حتی یک مورد مثبت گزارش نشود؟ اگر واقعا چنین است، پس فلسفه ادامه این رویه چیست؟

الزام ارائه گواهی عدم اعتیاد برای همه متقاضیان مجوزهای آموزشی، سالانه هزاران انسان تحصیل‌کرده و متعهد را به صف آزمایشگاه‌ها می‌کشاند. نتیجه چیست؟ هزینه‌های مالی و زمانی فراوان، شلوغی بی‌دلیل مراکز آزمایشگاهی، مصرف بی‌مورد کیت‌ها و در نهایت برگه‌ای که تقریبا همیشه پاسخ آن «منفی» است.

این الزام نه‌فقط باری بی‌فایده بر دوش متقاضیان است، بلکه به‌تدریج شان و حرمت نیروهای علمی و فرهنگی کشور را نیز زیر سؤال می‌برد. گویی پیش‌فرض دستگاه‌های متولی آن است که هر داوطلب مجوز آموزشی، بالقوه معتاد است و باید بی‌گناهی‌اش را ثابت کند!

در کشوری که هر آزمایش درمانی و کیت تشخیصی هزینه‌ای برای نظام سلامت دارد، آیا شایسته است چنین رویه‌ای ادامه یابد بدون آنکه حتی بررسی شود چند درصد نتایج واقعا مثبت بوده است؟ اگر در نمونه‌ای کوچک از ۸۰۰ نفر هیچ نتیجه‌ای مثبت نبوده، بعید نیست که در مقیاس ملی نیز درصد مثبت‌ها آن‌قدر ناچیز باشد که کل طرح توجیه خود را از دست بدهد.

زمان آن رسیده است که نهادهای صدور مجوزهای آموزشی و فنی، با شفافیت اعلام کنند در سال‌های اخیر از میان هزاران تست اجباری، چه تعداد نتیجه مثبت بوده است؟ اگر پاسخ نزدیک به صفر است، چرا باید همچنان به هزینه‌کرد منابع و تحقیر ضمنی متقاضیان ادامه داد؟ هدف از این نقد حذف نظارت نیست، بلکه تأکید بر عقلانیت در نظارت است. اگر قرار است سلامت متقاضیان ارزیابی شود، می‌توان با روش‌های هدفمند، نمونه‌برداری تصادفی یا بررسی سوابق حرفه‌ای این کار را انجام داد، بی‌آنکه کرامت انسانی و سرمایه اجتماعی را قربانی کنیم. آزمایش‌های بی‌حاصل، نه اعتیاد را کاهش می‌دهد و نه سلامت آموزش را افزایش؛ تنها نشان می‌دهد ما گاهی فرایند را به هدف تبدیل می‌کنیم، بدون آنکه از خود بی‌برسیم نتیجه‌اش چیست؟

روزها

چشم‌اندازی به عدالت؛

روز جهانی نابینایان و حقوق برابر

جلیل حاجی حسینی

وکيل دادگستری و پژوهشگر اجتماعی

روز جهانی نابینایان، فرصتی است برای یادآوری این حقیقت که هر انسان، صرف‌نظر از توانایی‌های جسمانی، حق دارد در جامعه حضور داشته باشد و از حقوق برابر بهره‌مند شود. نابینایان با چالش‌های روزمره‌ای روبه‌رو هستند که گاه برای بسیاری از ما پنهان است؛ از دسترسی به آموزش و اشتغال تا بهره‌مندی از خدمات عمومی و فناوری‌های نوین. حقوق نابینایان فراتر از نیازهای فردی است؛ این حقوق، بخشی از حقوق بنیادین انسانی است که تضمین‌کننده عدالت و برابری در جامعه است. هر اقدام کوچک ما، از ایجاد محیط‌های دسترسی‌پذیر تا احترام به قوانین حمایتی و فرصت‌دادن به توانمندی‌های نابینایان، می‌تواند گامی بزرگ در جهت رفع تبعیض و محدودیت‌ها باشد. توانمندی یک نابینا تنها زمانی زنده و به رسمیت شناخته می‌شود که جامعه، چشم‌انداز عدالت‌خواهانه خود را به کار بگیرد و فرصت‌های لازم را فراهم کند. امروز، روزی است برای بازاندیشی، همدلی و اقدام جمعی؛ برای ساختن جامعه‌ای که در آن هیچ محدودیتی بر پایه ناتوانی وجود نداشته باشد و هر فرد، با هر توانمندی، فرصت شکوفایی کامل داشته باشد.

هفته گذشته عصبانیت معاون بهداشت وزارت با یک خبرنگار در مصاحبه‌ای که برای بررسی خودکشی‌ها و عصبیت‌های جامعه تشکیل شده بود، خبرساز شد. هیچ‌کس نباید عصبانی بشود، باید خود را کنترل کند، به‌خصوص که معاون بهداشت (شامل بهداشت روان) باشد و به‌ویژه زمانی که موضوع جلسه هم خودکشی و عصبانیت باشد. به همین دلیل بود که معاون با سرعت پوزش خواست و وزیر هم بلافاصله با لحنی صریح‌تر و صادقانه‌تر معذرت خواست.

همه اینها درست، اما اگر کلاه را قاضی و انصاف را داور عقل و احساس قرار دهیم، نکات دیگری نیز باید گفت؛ این معاون همان معاونی است که در دوران کووید تقریبا به‌تهناییی در برابر امواج سهمگینی که کشور را تهدید می‌کرد، ایستاد. نه‌تنها کووید بلکه بلایایی قوی‌تر از آن، شبه‌علم، در حال پراکندن تردید در استفاده از علم در مقابله با توفان کووید بود و دوهزارو ۵۰۰ نفر از پزشکان برجسته، صاحبان و مسئولان نهادهای مختلف در نامه‌ای رسمی خواستار عدم ورود واکسن کرونا به کشور شده بودند. در این شرایط دشوار کشور با مسئولیت همین معاون در برابر این امواج کوتاه نیامد و منتظر واکسن داخلی‌ای که با آن همه هزینه معلوم نشد چه شد نماند (هنوز هم معلوم نیست)؛ کشور تحت واکسیناسیون کووید قرار گرفت و رست. همین معاون همین الان معاون وزارتی است که بخشی از آن پیشاپیش در اختیار شبه‌علم قرار گرفته و بخش‌های بیشتری با موریانه روزمرگی و اطاعت کورکورانه در حال زوال است. وزیر و معاون چنین وزارتی شدن مثل نشستن پشت لوکوموتیو قطار فرسوده‌ای است که هیچ چیز آن در اختیار



بابک زمانی

نورولوژیست

راننده و دستیارش نیست. ای کاش جهان واقع آن چنان بود که با یک چرخش قلم وزیر و معاون، همه چیز به طرفه‌العینی درست می‌شد، اما این‌طور نیست. نیست که نیست. نه‌تنها اعمال اراده بر چنین دستگاهی به آن آسانی که تصور می‌شود نیست، بلکه ظاهرا دست‌های فعالی هم در کار است که کار خراب بشود. برای مثال، تمام نهادهای تخصصی پزشکی معتقدند امکانات آموزش پزشکی برای پذیرفته‌شدگان موجود هم کفایت نمی‌کند چه برسد به افزایش ظرفیت به اشکال مختلف. اما نیروهایی که ریشه قدرت‌شان در نهادهای تخصصی و قانون‌گذار نیست، مسئولان وزارت را در دورا هه سنگین اخلاق و دستور قرار می‌دهند که ظرفیت‌ها را مثل آبی که بر قیمه می‌پنندن، افزایش دهند. این تنها یکی از دوراهی‌های سخت و دشواری است که قدرت در برابر دولت منتخب می‌گذارد. تصمیماتی سخت و طاقت‌فرسا که بر اعصاب راه می‌روند.

یک مثال دیگر؛ همه مسئولان وزارت از برجسته‌ترین و دانش‌بنیان‌ترین متخصصان کشور هستند، اما در همین

ایران‌خوانی

گزارشی از سفر به خوزستان

قصه‌های خونی‌وش



علی اصغر سیدآبادی

هر وقت که به خوزستان می‌روم، با حسرت و دریغ برمی‌گردم. سرزمینی چنین برخوردار و ژرف که هم تاریخ و هم طبیعت و هم منابع سرشار دارد و بیشترین آثار ثبت جهانی ایران را در خود جای داده و خاستگاه نخستین‌های بسیاری است، چرا باید هنگامی نامش در رسانه‌ها طرح شود که سخن از بلایا و مصائب است؟

چند سال پیش همین را با تعدادی از دوستان خوزستانی در میان گذاشتم. اغلب، ریشه‌های مسائل و مصائب را در تبعیض‌ها، ناکارآمدی‌ها و... می‌دانستند، اما یکی‌شان گفت که در کنار همه اینها، خودمان هم کم گذاشته‌ایم و فقط وقتی درباره خوزستان نوشته‌ایم که مصیبتی بر سرمان نازل شده است، گویی بلد نیستیم یا عادت نداریم از زیبایی‌ها و داشته‌ها و ارزش‌های خوزستان بنویسیم و همین عادت ما تصویری متفاوت از خوزستان می‌سازد. بعد بحث به گردشگری کشید و مقایسه با استان‌های دیگر که چگونه تصویری جذاب از آنها ساخته می‌شود.

ما دو هفته پیش سه، چهار روز خوزستان بودیم. دو روزش در غرب اهواز، منطقه حمیدیه. هوا هنوز برای رفتن به اهواز گرم بود، اما برای کاری که ما رفته بودیم، نیاز به گرما داشتیم. جز سه، چهار ساعتی که به دعوت دوست عزیزی برای ناهار رفتیم اهواز و با ماشین گشتی دور و بر کارون ردیم به یاد نوجوانی و ایام قدیم، باقی شب‌ها و روزها را در روستاها و راه‌ها و دشت‌ها و بیابان‌ها و جنگل‌ها گذراندم.

با راهنمایی دوست گرامی‌ام مجید عبودی در روستای طوبیه اقامت کردیم و شب اول همراه ایشان رفقیم به جنگل کمبوعه.

ما برای همراهی با فرزندانم رفته بودیم که قصدش پایش و عکاسی از خزندگان و عقرب‌های منطقه



پروژه میدان فتح شامل احداث یک تقاطع سه‌سطحی عظیم است که به‌منظور تسهیل جریان ترافیک و کاهش زمان سفر شهروندان طراحی شده است. فاز نخست این پروژه حدود یک ماه پیش به بهره‌برداری رسید و هم‌اکنون عملیات اجرایی سایر فازها با سرعت در حال پیشرفت است. عکس: عباس تاجیک‌یار، آنا

معاون و خبرنگار

وزارت معاونتی به نام سنتی یا ایرانی هم هست که اصلا معلوم نیست چیست؟ غربالگری چنین ناقص اگر کاملا غیرقانونی نشده باشد بسیار دشوار شده است. وزارت بهداشت باید خدمات سلامت را با تعرفه‌ای اجباری عرضه کند که دیگر هیچ شی، یا خدمتی با آن قیمت وجود ندارد و... آتیا تصور این است که مسئولان وزارت اگر می‌خواستند می‌توانستند با یک امضا و چرخش قلم وضع را تغییر دهند؟ این تقلا برای اداره کشور در حالی است که مردم عادی، ذی‌نفعان واقعی خدمات سلامت هم هیچ تلاش نهادمند و متشکلی برای حمایت از دولت در برابر قدرت به عمل نمی‌آورند، برخی هم حتی بی‌محبا همه را... زرد برادر... نامیده به یک چوب می‌رانند. گروهی هم انتظار می‌کشند تا همه چیز از جمله سیستم سلامتی که متعلق به خودشان هم هست، کاملا از بین برود و سلامت‌شان نابود شود تا حرف‌شان ثابت شود که «نگفتیم هیچ چیز درست نخواهد شد». تضاد میان اشکالی از مدرنیته است با کیفیت باستانی و گاه اساطیری قدرت و الزامات آن. دولت که به هر حال به‌نوعی انتخابی است، در این مقابله تاریخی هیچ پشتوانه‌ای مهم‌تر از مردم ندارد؛ این نکته‌ای است که خود دولت‌ها هم معمولا درک نمی‌کنند. این تضاد محدود به چندده سال اخیر هم نیست.

البته نقد و تندی در شرایطی که همه چیز به هم ریخته و هیچ چیز درست نیست و روی کاغذ مسئولی هم دارد، از هر کار دیگری آسان‌تر و آبرومندانه‌تر است، اما گمان کنم می‌توان دلایل عصبانیت آقای معاون را درک کرد اما نپذیرفت، تنها تا زمانی که عذر بخواهد که حالا هم خود و هم رئیسش خواستند!

طنزخوانی

آهای حلال‌زاده‌ها!

من هنوز مرده‌ام



آردین ساسرعیع

راستش سه ماه پیش که نوشتن این ستون را شروع کردم، فکر می‌کردم بازگشایی یک ستون طنز در مطبوعات نه به آن شور و دهه پیش ولی حداقل در حد خودش سرورصدا کند. خوشبختانه این انتظار برآورده نشد و ما دیگر صد درصد مطمئن شدیم که در هجوم محتوای تصویری، یک محتوای نوشتاری حتی اگر برای دیده‌شدن ندارد. این نتیجه، هم مزیت‌هایی دارد و هم معایبی، معایش که مشخص است. به‌هرحال نویسنده برای مخاطب می‌نویسد و مخاطب اگر نباشد، متن معنی پیدا نمی‌کند. آدم احساس می‌کند فلوت‌زنی در مراسم ختم است که تا شروع به نواختن می‌کند، همه حتی خود مرحوم بلند می‌شوند و مراسم را ترک می‌کنند. اما مزیت‌هایی هم دارد که تا الان گمان نکنم کسی به آن فکر کرده باشد. اولی‌اش این است که کسی کاری به کارتان ندارد. این خودش غایت هدف یک میانسال است. الان اگر از هر میانسالی آرزویش را ببرسد، می‌گوید آرزویم این است که بروم یک روستایی، برهوتی، جای دنجی که کسی کاری به کارم نداشته باشد. جایی که گوشی آنتن ندهد و دور از مباحو و صدای ماشین و غوغای شهر باشد. این ستون دقیقا همان جایی است که هر میانسالی آرزویش را دارد. فضایی دنج و آرام با صدای گنجشک و یاکریم. خارج از شهر، خارج از دید و خارج از موضوع. البته من که هنوز جوانم ولی دارم فکر می‌کنم که بد نیست گاهی این ستون را به میانسالان اجاره بدهم. بندگان خدا دیگر با نشوند آخر هفته به این ترافیک و شلوغی، بکوبند بروند دمانود و شمال و شهریار. از چهارشنبه غروب بیایند همین‌جا، شوخی‌هایشان را بکنند. کباب‌شان را بخورند. درد زانوی خود را رفع کنند و شنبه صبح به امید خدا راه بیفتند سمت تهران. مزیت دوم این است که چون کسی با این ستون مواجه ندارد، دیگر فضای پالیک و عمومی محسوب نمی‌شود. یک فضای خصوصی است که من به‌عنوان نویسنده می‌توانم به جای دفت‌ر یادداشت گوشی (نوت) از آن استفاده کنم. اگر شما هم مثل من هیچ‌وقت به نوشته‌هایتان در نوت گوشی مراجعه نمی‌کنید، پیشنهادم این است که یک ستون طنز روزانه در روزنامه‌ای راه بیندازید تا همیشه این یادداشت‌ها جلوی چشم‌تان باشند. من خودم از امروز این کار را شروع می‌کنم.

یک کیلو پیاز، سیب‌زمینی، وینستون ایکس‌اس نقره‌ای، پنیر ۳۵۰ گرمی (اینا رو یادت نره فردا بخری) رمز کارت پارسیان ۸۲۹۳ کد تخفیف چلوکبابی bokhor04 تولد کاظم یادت نره تبریک بگی سرای mix tape می‌کن خوبه، بین.

آمارخوانی

میانگین معدل‌ها زیر ۱۰



تسنیم گزاشی از معدل زیر ۱۰ یک استان تهیه کرده است. نتایج نهایی پایه دوازدهم نشان می‌دهد میانگین معدل دانش‌آموزان کهگیلویه‌وبویراحمـد در سال ۱۴۰۴ به رقمی پایین‌تر از سال گذشته یعنی ۸٫۱۵ رسیده و این در حالی است که مسئولان آموزش و پرورش وعده دو نمره بیشتر داده بودند و اکنون آمار رسمی از توقف رشد و حتی عقب‌گرد در شاخص‌های آموزشی خبر می‌دهد.

با انتشار میانگین نمرات نهایی پایه دوازدهم کشور در سال ۱۴۰۴، واقعیت‌های عددی یابگر یک نزول غیرمنتظره است؛ به‌گونه‌ای که سال ۱۴۰۲ میانگین معدل نهایی ۸۰٫۱ (سال پایه و نقطه آغاز بحران و انتقادات)، سال ۱۴۰۳ میانگین معدل نهایی ۸۰٫۴۳ (رشد ۰٫۴۲، نمره‌ای و نشان‌دهنده بهبودی محسوس) و سال ۱۴۰۴ میانگین معدل نهایی ۸۰٫۱۵ (نزول ۰٫۲۸، نمره‌ای نسبت به سال قبل) بوده و این اعداد به وضوح نشان می‌دهد که روند بهبود و رشد مثبت که در سال ۱۴۰۳ محقق شده بود، در سال جاری نه‌تنها متوقف، بلکه معکوس شده است.

یورونیوز از کشف صدها ردپا از دایناسورهای ۱۶۶ میلیون ساله در معدنی در بریتانیا خبر داد. پژوهشگران با کشف مسیرهای دایناسورهای عظیم‌الجثه در یک معدن در اکسفوردشایر، شگفتی تازه‌ای در دنیای دیرین‌شناسی ایجاد کردند. این یافته، دیدگاهی تازه درباره نحوه حرکت دایناسورهای ژوراسیک در سرزمینی که امروز بریتانیا نام دارد، ارائه می‌دهد. این مکان به دلیل وسعت و تعداد زیاد ردپاها منحصربه‌فرد است. به نظر می‌رسد این ردپاهای توسط گونه‌ای از سارویدها به نام متیسور ایجاد شده باشد.

باشگاه خبرنگاران جوان از محکومیت پنج هزار میلیاردی ۱۷ متهم سرقت از خط لوله انتقال نفت خبر داد. رئیس کل دادگستری استان هرمزگان اعلام کرد: حکم محکومیت برای ۱۷ نفر از متهمان پرونده سرقت از خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی انبار نفت بندر شهید رجایی حد فاصل انبار نفت بندر شهید رجایی تا انبار شهید باهنر بندرعباس صادر شد. هر یک از متهمان این پرونده به تحمل پنج سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند. همچنین مجموع مجازات نقدی متهمان این پرونده بیش از پنج هزار میلیارد بود.

فرارو: سازمان ملل متحد بحران آب را سرانه کمتر از هزار مترمکعب تعریف می‌کند. تخمین زده می‌شود که سرانه آب ایران به حدود هزار مترمکعب به ازای هر نفر در سال کاهش یافته باشد. این رقم به طرز خطرناکی نزدیک به آستانه کمبود مطلق است. از کل آب تجدیدپذیر که حدود ۸۰ میلیارد مترمکعب در سال آبی جاری تخمین زده می‌شود و حدود ۹۴ میلیون نفر ساکنان ایران در سال ۱۴۰۴، سرانه حدود ۸۵۰ مترمکعب برای هر نفر، ایران را در کمبود مطلق آ قرار می‌دهد.